

منجک

سال پانزدهم / شماره ۷۴ / مهرماه ۱۴۰۳





علی بن بابویه از قول پیغمبر ﷺ نقل کرده که فرمود: أَفْضَلُ
أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتَظَارُ الْفَرَجِ؛ یعنی برترین اعمال امت من این است که
منتظر فرج باشند؛ [یعنی] امید.

در یک روایتی از موسی بن جعفر رضی الله عنه [آمده]: أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ أَنْتَظَارُ الْفَرَجِ.^۲
معرفت یعنی توحید و معرفتِ حقایق الهی، [برترین اعمال] بعد از آن، انتظار فرج است.
از امیرالمؤمنین رضی الله عنه [نقل شده]: اِنْتَبِرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ؛^۳ انتظار فرج داشته
باشید، از رُوح و رحمت و گشایش الهی مأیوس نشوید. پس در انتظار فرج امید هست،
تحرک هست، اقدام وجود دارد.

سخنرانی تلویزیونی به مناسبت ولادت حضرت امام زمان علیه السلام، ۹۹/۱/۲۱

۲- تحف العقول، ص ۶۳۴-۶۳۳

۳- تحف العقول، ص ۱۵۵

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲،

ب ۵۵، ح ۳، ص ۵۴۷



ماهنامه **منهج** | مهر ۱۴۰۳ | شماره ۷۴

صاحب امتیاز: بنیاد و مؤسسه فرهنگی
حضرت مهدی موعود علیه السلام فارس
مدیرمسئول: استاد حاج شیخ علیرضا حدائق
سردبیر: حجت الاسلام محمدحسین حدائق
هیأت تحریریه: خانم نادری و آقای غیبی

شیراز، کوی زهرا علیها السلام، نیش کوچه ۸، روبروی
دبستان شهیدان اتحادی، بنیاد و مؤسسه
فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام فارس



بنیاد و مؤسسه فرهنگی



مهر ۱۴۰۳

از علاقه مندان به مطالب مهدوی دعوت به
عمل می آید جهت استفاده از مطالب متنوع
مهدوی به سایت www.bonyademahdi.com
مراجعه نمائید.

شماره تماس: ۰۷۱-۳۷۲۵۵۸۵۱

فهرست مطالب

سخن سردبیر ۴

در محضر شهید ۶

دقایقی پای خاطرات استاد ۱۱

عمر طولانی امام زمان علیه السلام

تجلی قدرت پروردگار ۱۴

رسانه ۱۷

مجالس ذکر و دعا ۲۱

چرا طوفان الاقصی ۲۵

کوتاه اما خواندنی ۳۱

باستانگرایی ۳۵

اندکی درنگ ۳۹

داستان ۴۳

تلنگر ۴۵

گزارش تصویری ۴۷

سخن سردبیر

کسی که عاشق است، نسبت به معشوق خود ابراز محبت می کند و دائماً در پی این است که از راه های مختلف عشق خود را به او اثبات کند.

منتظر امام زمان علیه السلام باید اشتیاق خود را نسبت به امام و ظهور و رؤیت ایشان ابراز نماید. متأسفانه یکی از مسائلی که امروزه در جامعه ی شیعه شاهد آن هستیم این است که دشمنان شیعه، درباره امام زمان علیه السلام ترس در دل مردم ایجاد کرده و این گونه القا می کنند که امام زمان علیه السلام وقتی ظهور می کنند گردن گناهکاران را می زنند. مردم هم می گویند: ما که از وضعیت خودمان خبر داریم و می دانیم گناهکاریم، پس چرا باید برای ظهور امام زمان علیه السلام دعا کنیم؟ دعا کنیم که امام بیاید و اولین نفرات ما باشیم که به دست ایشان کشته می شویم!؟

در صورتی که همگی واقفید، این از ساخته های دشمنان حضرت، جهت ایجاد عدم اشتیاق برای ظهور آن بزرگوار است؛ چرا که ظهور حضرت برای دشمنان، به معنای برچیده شدن بساط ظلم و ستم آن هاست.

حال شما بگویند: امامی که قرار است بیاید و با آمدنش دنیا، گلستان شود و دردها، درمان و خوبی ها، سرلوحه ی امور قرار گیرد و

بدی‌ها از بین برود و... چگونه ممکن است
خونریز باشد!؟

انتظار مهدی علیه السلام انتظار خوبی‌هاست، انتظاری است که شوق و اشتیاق ایجاد می‌کند و زندگی را از بی‌هدفی نجات می‌دهد. امام، واسطه‌ی فیض الهی است و برکات الهی، به برکت وجود ایشان، به مردم داده می‌شود. زمین به برکت ایشان، نعمت‌های الهی را در اختیار مردم قرار می‌دهد، آسمان، به برکت وجود ایشان می‌بارد و اگر امام، لحظه‌ای در بین مردم نباشند، زمین اهل خود را هلاک می‌کند. بنابراین، چنین شخصی نمی‌تواند نسبت به مردم سخت‌گیر، خشن، بی‌رحم و خونریز و ... باشد.

حال می‌بینید که چگونه دشمنان به دنبال این مسئله هستند که اشتیاق به ظهور امام زمان علیه السلام را در دل‌های شیعیان از بین ببرند و این ما هستیم که باید هوشیار باشیم و فریب دشمنان را نخوریم و عشق به حضرت را در دل‌ها زنده نگه داریم.

بنده گنه کار

در آخرین دیداری که با یکدیگر داشتیم، پس از طلب حلالیت گفت: اگر لایق شهادت شدم و بنا شد تصویری از من منتشر کنی این جمله را کنار تصویر من بنویس: «یا مُحْسِنُ قَدْ أَتَاكَ الْمُسِيءُ وَقَدْ أَمَرَتِ الْمُحْسِنَ أَنْ يَتَجَاوَزَ عَنِ الْمُسِيءِ، وَأَنْتَ الْمُحْسِنُ وَأَنَا الْمُسِيءُ، فَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَجَاوَزَ عَنِ قَبِيحِ مَا تَعَلَّمَ مِنِّي»؛^۱ ای خدایی که به بندگان احسان می کنی بنده گنه کار، به در خانه تو آمده و تو امر کرده ای که نیکوکار از گناهکار بگذرد، تو نیکوکاری و من گناهکار، به حق محمد و آل محمد رحمت خود را بر محمد و آل محمد بفرست و از بدی هایی که می دانی از من سر زده، بگذر.^۲

وقت شهادت

یک بار در سفر و ماموریتی که به سیستان داشت به سیم برق خورده بود، آن قدر این برخورد، فجیع بود که ما فکر کردیم تکه پاره شده است. وقتی بالای سرش رسیدیم، گفت: الان وقت شهادتم نبود.^۳

محضر شهادت

دست ندادن با آمریکا

وقتی پیکر مسعود را آوردند، مادرش همان دم در، به هم‌زمانش گفت: مسعود من رفت، خدا شما را حفظ کند. مدافع ولایت باشید. شما فریب نخورید و با آمریکا دست ندهید. مثل کسانی نباشید که در ظاهر حرف از آقا می‌زنند اما برعکس خواست ایشان عمل می‌کنند.^۴

آخرین دیدار

آخرین دیدار حضوری ما روز دوازدهم تیر بود، آن روز رضا را برای آخرین بار، منزل برادرش دیدم. حتماً خودش می‌دانست که آخرین دیدار است، چون خیلی از کارهای ما را سروسامان داد مثلاً برای دستگاه تست قند خون من، باتری خرید، دوچرخه محمد مهدی را درست کرد، به همه خواهرها و برادرش سر زد، به دیدن دایی اش رفت، حتی سراغ دوستان نوجوانی اش را هم گرفته بود و با چندتا از آن‌ها دیدار داشت. انگار می‌خواست بی‌دغدغه برود. سه روز قبل از شهادتش، تماس گرفت و با من و پدرش صحبت کرد. می‌گفت: من حالم خوبه. خیلی با بغض با او صحبت کردم. گفتم: مادر هر وقت دسترسی به تلفن داشتیم باز زنگ می‌زنم. با خنده برای این که شرایط سخت آن جا را برابیم تجسم کند، گفتم: مادر من ۱۱روز است که به تلفن دسترسی نداشتم. در حالی که می‌دانستم ایران نیست اما همیشه حضورش را در کنارم حس می‌کردم. دیدار بعد ما شد روز دوازدهم مرداد، که پیکر رضا را برابیم آوردند. از این که خدا من را هم لایق دانست تا در صف مادران شهید باشم، شکرگزار هستم.^۵

چفیه آقا

وقتی پیکرش را داخل قبر گذاشتم، از طرف همسرش گفتند: محمودرضا سفارش کرده، چفیه‌ای که از آقا گرفته، با او دفن شود. جا خوردم نمی‌دانستم از آقا چفیه گرفته، چفیه را از داخل ماشین آوردند. مانده بودم چه بگویم. همیشه در ارادت به آقا خودم را بالاتر از او می‌دانستم. چفیه را که روی پیکرش گذاشتم، فهمیدم به گرد پایش هم نرسیده‌ام. یادم هست یک بار چند سال پیش گفت: شیعیان در بعضی از کشورها بدون وضو، تصویر آقا را مس نمی‌کنند، ما این جا از شیعیان عقب افتاده‌ایم.^۶



نامحرم

در شهر حلب، دو تایی سوار موتور، می رفتیم. دیدم حسن سرش پایین است و دارد می رود و مدح امیرالمومنین (علیه السلام) را می خواند. من ترک موتور، نشسته بودم، ترسیدم. فقط می توانست دو سه متر، جلوش را ببیند. گفتم: داداش! مواظب باش، تصادف می کنیم، توجه نکرد.

با ناراحتی گفتم: سرت را بیار بالا، خیلی خطرناکه. باز هم به حرفم توجه نکرد. داشتم عصبانی می شدم، که با جدیت گفتم: چه کارم داری نمی خوام سرم را بالا بیارم.

یک لحظه به دور و برمان نگاه کردم. دیدم اطراف ما، پُر از زن های بی حجاب است. می ترسید چشمش به نامحرم بیفتد.^۷

نماز شب

مُسلم علاقه زیادی به قرآن داشت و هر شب پس از نماز عشا، سوره واقعه را تلاوت می کرد و پس از نماز صبح، زیارت عاشورا و سوره حشر، را می خواند. هم چنین پس از هر نماز، آیت الکرسی، تسبیحات حضرت زهرا (علیها السلام)، سه بار سوره توحید، صلوات و آیات دو و سه سوره طلاق را حتماً تلاوت می کرد. تأکید ویژه ای، به نماز شب داشت و اگر نماز شبش قضا می شد، می گفت: شاید در روز گناهی مرتکب شده ام که برای نماز شب بیدار نشدم.^۸

محبوبیت

حاج قاسم به حرم امام حسین (علیه السلام) می رود تا سلامی بگوید، زیارتی کند و برگردد. با این که صورتش را پوشانده بود، مردم عراق متوجه می شوند حاج قاسم، توی حرم است. هجوم می برند تا او را ببینند. به زحمت سوار ماشین

می‌شود. می‌خواهد برود، می‌بیند یک عراقی با بچه‌اش آمده، تلاش می‌کند از لابلای جمعیت پیش او بیاید. حاج قاسم از ماشین، پیاده می‌شود، عراقی، خودش را به او می‌رساند. می‌گوید: پسرم می‌خواهد شما را ببیند. حاج قاسم، بچه‌اش را بغل می‌کند و می‌بوسد.

این همه محبوبیت، به رفتار و عملکرد حاج قاسم، در سوریه و عراق برمی‌گردد.^۹

- ۱- مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۱۴۳، الجزء الرابع، تتمه کتاب الصلاة أَبَوَابُ تَكْبِيرَةِ الإِحْرَامِ
- ۲- کتاب: شبیه نادر، خاطرات شهید نادرحمید، اثر: علی ساقی با کمی دخل و تصرف
- ۳- سربندهای بی‌سر، یادنامه ۴۴ شهید استان مازندران، روایت زندگی شهید روح الله عمادی اثر: مریم عابدزیدی با کمی دخل و تصرف
- ۴- کتاب: صعود از آسمان؛ خاطرات شهید مسعود عسگری، اثر: علی ساقی با کمی دخل و تصرف
- ۵- کتاب: چشمان یعقوب روایت زندگی شهید رضا کارگربرزی، اثر: شهلا پناهی با کمی دخل و تصرف
- ۶- کتاب: تو شهید نمی‌شوی، اثر: احمدرضا بیضایی با کمی دخل و تصرف
- ۷- سروها ایستاده می‌مانند(شهید حسن قاسمی دانا)، اثر: مریم عرفانیان با کمی دخل و تصرف
- ۸- کتاب پاکی و پایداری؛ خاطرات شهید مدافع حرم مسلم خیزاب، اثر: الهه حاج حسینی، با کمی دخل و تصرف
- ۹- حاج قاسمی که من می‌شناسم، اثر: علی شیرازی با کمی دخل و تصرف

محمض شهادت

اخلاص در عمل

مدتی در درس آیت الله حاج مرتضی حائری یزدی فرزند مؤسس حوزه علمیه قم، شرکت می کردم، روزی استاد به من فرمود: اگر کارت برای خدا نباشد، روز قیامت خواهی گفت: ای کاش خوابیده بودم و کاری نمی کردم.

مادری قهرمان

در سفری به جزیره هُرمز، زنی را دیدم که هشت شهید داده بود. از او پرسیدم: چه انتظاری داری؟ گفت: هیچی. الآن هم اگر پسری داشتم تقدیم اسلام می کردم.

دقایقی پای خاطرات استاد



اعتدال در زندگی

دامادی می‌خواست مراسم جشن ازدواج خود را در هتلی گران قیمت برگزار نماید، با من مشورت کرد. گفتم: دوست من! از ابتدا زندگی را طوری شروع کن که بتوانی تا پایان راه ادامه دهی، هیچ وقت از اعتدال خارج نشو.

کارت عروسی نمونه

در محل کارم نشسته بودم که کارتِ دعوتِ عروسی، به دستم رسید که روی آن نوشته شده بود: آقای..... با دوشیزه فلانی ازدواج کردند بنا بود برای مراسم جشن، تالاری کرایه کنیم و جشن باشکوهی به راه انداخته و شما با حضورتان مجلس ما را روشن فرمائید، اما توافق کردیم پول تشریفات را به یک دختر و پسر فقیر، هدیه کنیم تا آن‌ها هم به سادگی، وارد زندگی شوند. کارت را جهت اطلاع فرستادیم.

گلایه از خودی‌ها

شخصی به من گفت: آقای قرائتی! به این خانم‌هایی که فُکُل هایشان را بیرون گذاشته‌اند، تذکری بدهید. گفتم: گوش نمی‌کنند، همان طور که به شما می‌گویم موقع نماز، بازار را تعطیل کن، گوش نمی‌دهی. چقدر ما به هیئت‌های عزاداری گفتیم: طوری عزاداری کنید که نماز صبح قضا نشود، اما گوش ندادند. چقدر گفتیم: خواننده‌هایی که سابقه‌ی بد دارند و یا با غنا می‌خوانند، دعوت نکنید. اما کو گوش شنوا. آری! همه با هم گوش نمی‌دهیم.

دقایقی پای خاطرات استاد

از کدام منظر؟

یکی از دوستان طلبه به من می‌گفت: آقای قرائتی! من مثل یک لامپ هستم و تو مثل خورشید! گفتم: چطور؟ گفت: من در مسجد برای صد نفر صحبت می‌کنم و شما در تلویزیون برای چند میلیون. گفتم: این از یک منظر، اما از منظر دیگر قیامت است، اگر هر دو خراب کرده باشیم، شما به خاطر در اختیار داشتن صد دل، مؤاخذه می‌شوید و من به خاطر چند میلیون دل! از من سؤال می‌شود این همه دل را خداوند به تو داد، چرا تو یک دل، به خدا ندادی؟

لسان قوم

من بارها گفته‌ام که مَبْلَغ باید به لسان قوم و زبان مردم سخن بگوید. شهید مطهری می‌فرمود: یک خارجی به ایران آمده بود. در بازگشت از او پرسیدند: از ایران چه خبر؟ گفته بود: مردم ایران وقتی به هم می‌رسند می‌گویند: آیا بینی شما کلفت است؟ این خارجی چون لسان قوم را نمی‌دانست، دماغ شما چاق است را بینی شما کلفت است، معنا می‌کرد. غافل از آن که در این جا، نه دماغ به معنای بینی و نه چاقی به معنای کلفتی است. دماغ به معنای مغز و چاق به معنای آمادگی و سلامت است. مثلاً قلیون را چاق کن یا فلانی کارچاق کن است، یعنی آن‌ها را آماده می‌کند.

کتاب خاطرات، حجت الاسلام والمسلمین قرائتی، با کمی دخل و تصرف

دقایقی پای خاطرات استاد

یکی دیگر از ویژگی‌های امام زمان عجل الله فرجه، طول عمر آن حضرت است. امام سجاد علیه السلام در روایتی که بیان کردیم می‌فرمایند:

«فِي الْقَائِمِ سُنَّةٌ مِنْ نُوحٍ وَ هُوَ طَوَّلَ الْعُمُرَ»^۱

در قائم عجل الله فرجه، خصلتی را از نوح به ارث برده و آن طول عمر است.

در مورد طول عمر حضرت، سؤالات و شبهات زیادی از سوی معاندان مطرح می‌شود که هم جواب‌های حلی و هم پاسخ‌های

نقضی متعددی دارد. عمده‌ی این شبهات

به منظور انکار وجود مبارک حضرت مطرح

می‌شود که با بیان آن‌ها قصد دارند ولادت و

وجود حضرت را انکار کنند. ابتدایی‌ترین این



عجل الله فرجه

عمر طولانی امام زمان

تجلی قدرت پروردگار

شبهات مربوط به طول عمر حضرت است. آن‌ها می‌گویند عمری که برای امام زمان علیه السلام بیان می‌کنید، خیلی بیش‌تر از عمر طبیعی یک انسان است و نمی‌توان باور کرد که یک انسان، این همه عمر کند! در پاسخ به این شبهه، به یک آیه از قرآن می‌توان اشاره کرد؛ آنجا که می‌فرماید:

«إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»^۲

فرمان او چنین است که هرگاه چیزی را اراده کند، تنها به آن می‌گوید: «موجود باش!»، آن نیز بی‌درنگ موجود می‌شود!

اراده‌ی خداوند به هر چه تعلق بگیرد جامه عمل می‌پوشد و محقق خواهد شد. برای خدا ساده است که به یک بنده، هزاران سال طول عمر بدهد؛ کما اینکه به اعتقاد ما حضرت خضر علیه السلام از قرن‌ها قبل از امام زمان علیه السلام متولد شده و در قید حیات است. همچنین حضرت عیسی علیه السلام که به امر خداوند از سوء قصد بنی‌اسرائیل جان به در بُرد و به آسمان عروج کرد.

بنا بر قاعده‌ی لطف^۳ زمین نمی‌تواند - حتی برای یک لحظه - از وجود حجت خدا که نقطه‌ی اتصال بندگان و خداوند است، خالی باشد. از سوی دیگر، تجربه‌ی زندگی یازده امام که در نهایت ناسپاسی بندگان، در غربت و مظلومیت به شهادت رسیدند، نشان داد که آخرین ذخیره‌ی الهی باید تا زمانی که مردم نیاز به امام را با عمق جان درک کنند از دسترس آن‌ها دور باشد. جمع بین این دو ضرورت آن است که آخرین حجت الهی به شکل

اعجازگونه‌ای از عمری طولانی بهره‌مند شوند تا هم زمین خالی از حجت نباشد و هم جان امام از بلایا مصون بماند، تا روزی که وعده‌ی خداوند محقق شود و آن حکومت عدالت‌گستری که خداوند در قرآن وعده فرموده، برقرار شود.

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۴

و ما بر آن هستیم که بر مستضعفان روی زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان سازیم و وارثان گردانیم.

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»^۵

و ما در زبور - پس از تورات - نوشته‌ایم که این زمین را بندگان صالح من به میراث خواهند برد.



برگرفته از کتاب نسیم انتظار، مجموعه بیانات استاد حاج شیخ علیرضا حدائق

در شماره‌ی گذشته به یکی از آسیب‌های رسانه که تلاش برای کاهش نسل بشر، به صورت عوامل مختلف ترکیبی بود، اشاره کردیم. در ادامه می‌خواهیم به برخی مدل‌هایی که رسانه‌ها در این خصوص به صورت غیرمستقیم به عنوان یک فرهنگ یا سبک زندگی، به مخاطبان خود القاء می‌کنند، بپردازیم.

ترویج سقط جنین

یکی از مصادیق قتل نفس، سقط جنین بدون هیچ ادله‌ی عقلی و شرعی است. متأسفانه یکی از مسائلی که امروزه در برخی رسانه‌ها، به نمایش گذاشته می‌شود، سقط جنین و حتی قانونی بودن این عمل وحشیانه، در برخی از کشورهای اروپایی و برخی از ایالت‌های آمریکا است. بعضی از سلبریتی‌ها نیز با عمل به این کار، به نوعی پرچم دار این فعل ناشایست شده‌اند. خانم شارون استون، هر

رسانه

چند که بعدها از کار خود اظهار پشیمانی کرد و گفت: «این اتفاقی کوچک، از نظر جسمی و عاطفی نیست. اما ما مجبوریم، احساس کنیم موضوعی است که باید به تنهایی و مخفیانه، با نوعی احساس شکست، تحملش کنیم». ایشان ۹ بار عمل سقط جنین را انجام داده و در نهایت ۳ پسر را به فرزند خواندگی پذیرفته است.

ریشه این مُعضل در کجاست؟ فرهنگ اومانسیتی یا انسان محوری یکی از بزرگترین آسیب‌های قرن معاصر، در غرب است که تلاش می‌شود، این مولود نامبارک، سوغاتی برای تمام جهان باشد. در این فرهنگ، ریشه‌ی همه افکار و کردار انسان، رسیدن به یک زندگی به ظاهر مطلوب و ارضای تمامی نیازهای غریزی به حد اعلی می‌باشد، چون او به صورت اتفاقی و طبق نظریه فرگشت داروین، وارد جهان شده و پس از مرگ، برای همیشه نابود می‌شود. لذا باید قدر این فرصتِ به دست آمده را بداند و از آن نهایت بهره را ببرد.

اخلاق و روابط انسانی نیز تحت شعاع این طرز تفکر، قرار گرفته است. طبق فرهنگ اومانسیتی، ما باید اخلاق و انسانیت را نه به عنوان یک فضیلت، بلکه به عنوان عامل منفعتِ خویش رعایت کنیم. مثلاً من دروغ نمی‌گویم تا کسی به من دروغ نگوید تا از فوائد راستگویی منتفع شوم.

در این فضا همه چیز حول محور انسان است و چیزی به جز او،

اهمیت ندارد. حال تولید نسل که یکی از اتفاقات طبیعی و مهم در تداوم بقای نسل بشر است، تحت شعاع این قانون قرار می‌گیرد. برخی برای امیال غریزی خود، وارد روابط غیراخلاقی یا حتی زناشویی می‌شوند که احتمال انعقاد نطفه، در آن وجود دارد و وقتی این اتفاق رقم بخورد، چون اصل عمل، فی نفسه فقط برای ارضاء امیال غریزی بوده و به وجود آمدن بچه از همان زمان جنینی با ایجاد مشکلاتی همراه است و از طرفی بعد از به دنیا آمدن، وظایف دیگری را بر دوش انسان می‌گذارد، لذا انسان اومانسیتی آن را، مانع لذت‌های خود می‌بیند. به همین منظور یکی از راه‌هایی که برای فرار از این مسأله پیموده می‌شود، عمل هولناک سقط جنین است.

شاید رسانه‌ها به صورت مستقیم، برای این عمل، تبلیغ نمی‌کنند اما با نشان دادن آن در خلال فیلم‌ها و گنجاندن آن در سناریوها و هم چنین مطرح کردن سلبریتی‌هایی که ارتکاب به این عمل ناشایست را در پرونده زندگی خود داشته‌اند، باعث می‌شوند، آهسته آهسته، فرهنگ آن بین برخی انسان‌ها، رواج پیدا کرده و امروزه به عنوان یکی از مُعضلات کشورهای به ظاهر متمدن، مطرح شود به طوری که آمارهای عجیبی از این کشورها بیان می‌شود که بسیار تکان دهنده است.

طبق گفته خبرگزاری تسنیم در ۱۴ شهریور ۱۳۹۹ در مقاله‌ای با همین عنوان براساس آمار سازمان بهداشت جهانی «WHO»، هرساله در

جهان ۴۰ تا ۵۰ میلیون سقط جنین اتفاق می‌افتد. در ایالات متحده آمریکا، جایی که تقریباً نیمی از بارداری‌ها، ناخواسته است، از هر ۱۰ مورد، چهار مورد با سقط جنین خاتمه می‌یابد، بیش از ۳۰۰۰ سقط جنین در روز، اتفاق می‌افتد و ۲۲ درصد از کل بارداری‌ها در ایالات متحده آمریکا (به‌استثنای سقط جنین ناخواسته) به سقط جنین ختم می‌شود!

به هر حال ترویج این مسأله خطرناک، آسیب‌های مُهلکی به جان انسان و جامعه انسانی می‌زند. از عذاب وجدان به خاطر کشتن یک انسان بی‌گناه گرفته، تا کاهش نسل بشری و پیرشدن جمعیت کره زمین در آینده، که از اهداف شیطانی نظام سرمایه‌داری است و از همه قابل تأمل‌تر انجام گناه بسیار بزرگی که می‌تواند برای انسان هم در زندگی دنیوی مشکلاتی را ایجاد کند، هم مایه عقوبت شدید اُخروی شود و دنیا و آخرت انسان را تحت تأثیر خود قرار دهد.

ادامه دارد
محمدعلی غیبی

رساله

قَالَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ: بَادِرُوا إِلَى رِيَاضِ الْجَنَّةِ، قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا رِيَاضُ الْجَنَّةِ قَالَ «حَلَقُ الذَّكْرِ» رَسُولُ خَدَائِكَ ﷺ فرمودند: در باغ های بهشت گردش کنید. گفتند: یا رسول خدا! باغ های بهشت چیست؟ فرمودند: مجالس ذکر. علامه مجلسی در شرح این حدیث شریف می فرماید: حلقه های ذکر مجالسی است که خداوند و علوم اهل بیت علیهم السلام و فضایل اهل بیت علیهم السلام در آن ها بیان شود.^۲

سفارش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر تشکیل این حلقه ها، مبنایش افزایش معرفت می باشد چرا که اگر معرفت حاصل شد، غفلت کنار رفته و یاد حضرت، تداوم پیدا می کند. ضمن این که این جلسات، مورد توجه و عنایت حضرت مهدی علیه السلام می باشد.

فضیل یسار که از یاران جلیل القدر امام صادق علیه السلام می باشد، می گوید: در مجلسی با چند نفر از شیعیان نشسته و گفتگو می کردیم که امام صادق علیه السلام نزد ما

مجالس ذکر و دعا

آمده و فرمودند: «تَجَلِسُونَ وَ تُحَدِّثُونَ؟» دور هم نشسته و سخن از ما به میان آورده اید؟ عرض کردم: بله، قربانت شوم. امام علیه السلام فرمودند: من این مجالس را دوست دارم. ای فضیل! راه ما را زنده نگه دارید. رحمت خدا بر آن که امر ما را زنده بدارد».

مطمئناً اگر امام زمان علیه السلام هم از کنار جمعی عبور کنند که در حال گفتگو پیرامون وجود حضرت می باشند، خواهند فرمود: من این مجالس را دوست دارم. شایسته است همگان همت گماشته و یاد حضرت را با معرفت کسب کنند. ضرورت این مسئله زمانی نمایان می شود که بدانیم، هدف خلقت چیزی جز معرفت امام عصر علیه السلام نیست.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در موارد بسیاری فرمودند: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»؛^۳ هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.

حال برای کسب معرفت، اولین قدم مطالعه است و تشکیل حلقه های ذکر، این امر را تسهیل می کند. کمر همت را محکم ببندیم و در این راه، با قدم های استوارگام برداریم و از این طریق، لبخند را به لب های حضرت ولی عصر علیه السلام بنشانیم.

درگام بعدی می توان در آیاتی که به تفسیر یا تأویل وجود مقدس حضرت ولی عصر علیه السلام اشاره دارد، تدبر کرد و با راهنمایی روایاتی که آیات را تفسیر می کنند، به منظور کلام الهی پی برد. با این عمل، اعتقاد به مهدویت تقویت شده و از شکایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مبنی بر این که: «يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا»؛^۴ پروردگارا! قوم من قرآن را رها کردند»، در امان ماند.

در کتاب «الامام المهدی فی القرآن و السنه» حدود ۲۸۰ آیه و در حدود ۱۱۰۰ روایت که همگی مربوط به مباحث مهدویت می باشد، آمده است.

هدیه دادن

دین مبین اسلام بر هر امری که ایجاد محبت کند، تأکید دارد از جمله آن موارد، دادن هدیه است که به خاطر جلب محبت، در زمره مستحبات مؤکد، قرار گرفته است. با خود عهد ببندیم بعد از هر نماز، تسیحات حضرت زهرا (علیها السلام) را با آرامش و بدون عجله، گفته و به محضر امام عصر (عج) هدیه نمائیم. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: ... هر کس یک بار سوره توحید را بخواند، یک سوم قرآن را خوانده و هر کس دو بار بخواند، دو سوم قرآن و هر کس سه بار بخواند، قرآن را ختم کرده است.^۵

مؤمن زرنگ است و اگر دنبال خیر و سعادت می گردد، باید زرنگی کرده و بعد از هر نماز یک ختم قرآن، به قرآن ناطق هدیه نماید که برکاتش بسیار زیاد و پاداشش ناگفتنی است.

علی بن مغیره می گوید: خدمت امام کاظم (علیه السلام) رسیده و عرض کردم: من هنگامی که قرآن را ختم می کنم، ثوابش را به پدران شما هدیه می کنم؟ یک ختم قرآن نیز برای شما قرار داده ام، به سبب این کار چه پاداشی برایم هست؟ امام کاظم (علیه السلام) فرمودند: پاداش تو آن است که روز قیامت با ما باشی. عرض کردم: الله اکبر چنین پاداشی برای من است؟ سه مرتبه فرمودند: آری از دیگر هدایا، می تواند این باشد که عهد کنید روزی صد صلوات با «وَعَجَّلُ فَرَجَهُمْ» فرستاده و ثوابش را به امام عصر (عج) هدیه نمائید.

هم چنین می توان دو رکعت نماز خواند و ثوابش را به ایشان هدیه کرد.

در روایتی آمده است که «هر کس ثوابِ نمازِ خود را برای رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین (علیه السلام) و اوصیای بعد از آن حضرت قرار دهد، خداوند ثواب نمازش را آن قدر افزایش می‌دهد که از شمارش آن، نفس قطع می‌گردد و پیش از آن که روح از بدنش جدا شود، به او گفته می‌شود: ای فلان! هدیه تو به ما رسید، پس امروز روز پاداش و تلافی کردن [نیکی‌های] تو است. دلت خوش و چشمت روشن باد به آن چه خداوند برایت مهیا فرموده و گوارایت باد آن چه، به آن رسیدی.^۷

نکته آخر این که، چه زیباست قبل از خواب وضو گرفته و دو رکعت نماز هدیه به قطب عالم امکان هدیه کرده و روز و شب را با یاد ایشان سپری نمائیم. امام عصر (علیه السلام) از خانواده کرم هستند: «وَسَجِّتْكُمْ الْكَرَمُ»؛ وخلق و خوی شما بخشش است.^۸ کریم اگر از کسی خوبی و هدیه دریافت کند محال است به چند برابر، جبران نماید هرچند ما نباید به خاطر جبران ایشان، هدیه دهیم اما ایشان رمز بنده پروری را بهتر از هر کسی می‌دانند. «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ»^۹ کریم محال است احسانی را بدون پاسخ بگذارد.^{۱۰}

۷- همان، قسمت ۴۲، ص ۳۱۶

۸- مفاتیح الجنان، جامعه کبیره

۹- الرحمن/ ۶۰

۱۰- راهکارهای عملی یاد حضرت مهدی (علیه السلام)، حسن

محمودی با دخل و تصرف

۱- من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۰۹، باب: الجزء الرابع بَابُ النَّوَادِرِ وَ هُوَ آخِرُ أَبْوَابِ الْكِتَابِ

۲- بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۵۰

۳- همان، ج ۳۲، ص ۳۲۱

۴- فرقان/ ۳۰

۵- بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۳۱۸

۶- مکیال المکارم، ج ۲، بخش ۸، قسمت ۴۵،

ص ۳۲۲

جنگ طوفان پشتون



جنبش حماس در روز یکشنبه ۱ بهمن ۱۴۰۲ با انتشار يك سند ۱۸ صفحه‌ای درباره جزئیات حمله طوفان الاقصی اعلام کرد، این عملیات تحت عنوان «این روایت ماست... چرا طوفان الاقصی» علل حقیقی و واقعی که باعث خلق این حماسه، بعد از چند دهه اشغالگری اسرائیل و جنایات و تخلفات و نقض‌ها شد را برشمرده است.

جنبش مقاومت اسلامی در این سند، با اشاره به سابقه خود، به عنوان جنبشی آزادی‌بخش با تفکر اسلامی معتدل و میانه، تاکید کرده نزاع با پروژه صهیونیسم، نزاع با یهودیان به سبب دیانت آن‌ها نیست بلکه درگیری آن‌ها علیه صهیونیست‌ها، به دلیل اشغالگری آنان است و مقاومت در برابر اشغالگری را به هر وسیله ممکن از جمله مقاومت مسلحانه، که در ادیان و مذاهب مختلف و هم چنین قوانین بین‌المللی به آن تصریح شده، را یک حق مشروع می‌داند.

در این گزارش تأکید شده، عملیات طوفان الاقصی با هدف پایان دادن به محاصره ناعادلانه نوار غزه، گامی طبیعی در جهت نیل به استقلال و آزادی مانند سایر مردم آزاده جهان و حق تعیین سرنوشت و افزون بر آن تشکیل کشور مستقل فلسطین به پایتختی قدس بود. این عملیات گامی طبیعی در چارچوب خلاصی از اشغالگری اسرائیل بود که عملاً امکان تشکیل کشور مستقل فلسطین را از طریق شهرک‌سازی‌های بسیار گسترده و یهودی‌سازی کرانه باختری از بین برده است.

در این گزارش، جنبش حماس با اشاره به تاریخ فلسطین اشغالی تصریح کرد، نبرد مردم فلسطین با اشغالگران از هفتم اکتبر یعنی روز عملیات

طوفان الاقصی آغاز نشد بلکه این عملیات از ۱۰۵ سال قبل از آن آغاز شده بود یعنی از زمانی که ملت فلسطین ۳۰ سال تحت استعمار انگلیس و ۷۵ سال تحت اشغالگری اسرائیل به سر برده‌اند، نوار غزه بیش از ۱۷ سال است که تحت محاصره شدید قرار گرفته و به بزرگترین زندان روباز جهان، تبدیل شده و ۵ جنگ ویرانگر را تجربه کرده که اسرائیل، آغازگر تمامی این جنگ‌ها بوده است.

جنبش حماس در گزارش مفصل خود، با تأکید بر این که ملت فلسطین چندین دهه از انواع ظلم، بی‌عدالتی، مصادره حقوق اولیه و سیاست‌های آپارتاید رنج می‌برد، تصریح کرده؛ آیا ملت فلسطین باید هم چنان در انتظار به سر ببرد و به سازمان ملل و نهادهای درمانده آن، متکی باشد در حالی که نماینده اسرائیل در سازمان ملل، گزارش شورای حقوق بشر را در برابر چشمان نمایندگان کشورهای جهان پاره کرد؟

عملیات طوفان الاقصی، گامی ضروری و پاسخی طبیعی برای مقابله با برنامه‌های تل آویو جهت تسلط بر سرزمین فلسطین و اعمال حاکمیت آن بر مسجد الاقصی و پایان دادن به محاصره ظالمانه نوار غزه بود. پرهیز از هدف قراردادن غیرنظامیان به ویژه زنان، کودکان و سالمندان، الزامی دینی و اخلاقی است که فرزندان حماس بر اساس آن پرورش یافته‌اند. مقاومت، به ضوابط و دستورات دین حنیف اسلام، پایبند است و شاخه نظامی آن، نظامیان اشغالگر و کسانی که علیه ملت ما، سلاح به دست بگیرند، را هدف قرار می‌دهد و آن چه اشغالگران در مورد هدف قرار دادن غیرنظامیان اسرائیلی در حمله ۷ اکتبر به دست گردان‌های القسام،

ترویج و تبلیغ می‌کنند، یک افترا و دروغ محض است، زیرا رزمندگان حماس، به هیچ وجه غیرنظامیان را هدف قرار ندهاند تحقیقات شفاف و منصفانه، قطعاً دروغ‌پردازی‌ها و ادعاهای اشغالگران را اثبات خواهد کرد.

هم چنین جنبش حماس از کشورها و قدرت‌های بزرگ از جمله آمریکا، آلمان، کانادا و انگلیس، خواست حمایت خود را از تحقیقات در خصوص جنایات صورت گرفته در فلسطین اعلام کنند و از دادگاه کیفری بین‌المللی نیز خواست به شکل سریع و فوری به منظور رسیدگی به جنایات و تخلفات، وارد فلسطین اشغالی شوند.

جنبش حماس در این گزارش تأکید می‌کند: مردم منطقه و جهان به میزان دروغ‌پردازی و فریب کاری دولت‌های حامی این تجاوز، پی برده‌اند چرا که آن‌ها به دنبال بهانه‌هایی برای توجیه کردن جانبداری خود از اشغالگران هستند، این در حالی است که این کشورها، نمی‌خواهند بپذیرند ریشه اصلی مشکلات و منشأ بحران، وجود اشغالگری و مصادره حق ملت فلسطین در بهره‌مندی از زندگی آزادانه است.

در این گزارش، مجازات قانونی و حقوقی رژیم اشغالگر اسرائیل، به علت تداوم اشغالگری و رنج و خسارت ناشی از آن و حمایت از مقاومت در برابر اشغالگران، با استفاده از تمامی راه‌های موجود، به‌عنوان یک حق مشروع و قانونی خواسته شده است.

حماس از کشورهای آزاده جهان خواسته؛ در برابر استانداردهای دوگانه قدرت‌های حامی اشغالگری، موضعی جدی اتخاذ کنند و در عین حال

تأکید کرده، قدرت‌های بزرگ باید از فراهم کردن پوشش، برای رژیم صهیونیستی دست بردارند. آنان هم چنین توقف فوری تجاوزات اسرائیل به غزه، پایان دادن به جنایات و نسل‌کشی، پایان دادن به محاصره و تلاش جدی برای وادار کردن اشغالگران به عقب‌نشینی از نوار غزه و ممانعت از هرگونه انتقال فلسطینیان به صحرای سینا، اردن یا هر مکان دیگری را خواستار شده اند.

در پایان این گزارش مفصل و تحلیلی، بر مخالفت با هرگونه طرح و پروژه بین‌المللی و اسرائیلی که در تلاش برای تعیین آینده نوار غزه، مطابق با استانداردهای اشغالگران باشد یا به هر شکلی اشغالگری را نهادینه کند، تأکید و در عین حال بر این موضوع تصریح شده که ملت فلسطین از قدرت و شایستگی لازم، برای تصمیم‌گیری در مورد آینده خود و سروسامان دادن به اوضاع داخلی برخوردار است و هیچ کس نمی‌تواند قیمومیت خود را بر آن‌ها تحمیل کند.

پس با توجه به این سند، عملیات طوفان الاقصی توسط حماس در راستای حق تعیین سرنوشت و تعیین تکلیف وضعیت اشغال سرزمین فلسطین توسط اسرائیل از نظر حقوقی قابل توجیه است.

طرح اسرائیل این است که با انتقال اجباری مردم از شمال غزه به جنوب غزه، تخریب بیمارستان‌ها و مراکز امدادی، محاصره کامل غزه، ممنوع کردن ورود آب غذا، برق، دارو و سایر امکانات اولیه، تخریب زیرساخت‌ها، حملات هوایی و بمباران‌های کور و که هدف آن در عمل، نابودی کامل غزه است تا خالی از سکنه شود و اسرائیل بتواند شهرک سازی جدیدی را

شروع کند. در حالی که این مسئله نقض حقوق بشر و حقوق اولیه انسانی می باشد. آن‌ها گذرگاه‌ها را بسته و ۳۵۰ هزار کودک، با کمبود مواد غذایی مواجه هستند، در واقع یک فاجعه انسانی، در باریکه غزه در حال وقوع است اما متأسفانه نهادهای بین المللی، قادر یا مایل به محکوم کردن رژیم جعلی اسرائیل نیستند.

نسل‌کشی غزه، تاریخی و ماندگار شد و تا ابد، لعن و نفرین را روانه، سران مستکبر و آنانی کرد که شریان‌های حیاتی غده سرطانی اسرائیل را نبستند. هولوکاست واقعی غزه، ثابت کرد که هولوکاست صهیونی، دروغ و افسانه است و به گفته آل احمد «شهیدنمایی از حد گذشته یهودیان» است.^۱

حمایت کشورهای اروپایی و آمریکا از اسرائیل، آیا به این دلیل نیست که آن‌ها می‌خواهند به هر قیمتی که شده اسرائیل در این منطقه باشد تا کشورهایشان از شر تفکر عنود و لجوج و خونخوار صهیون دور باشند؟ دوره سخت غزه هم خواهد گذشت اما جنایت قصابان کراواتی ۴+۱ علیه غزه هم نخواهد توانست، آینده غرب را نجات دهد.

مردم غزه و گروه‌های مقاومت، مثل کوه ایستاده‌اند و تسلیم نمی‌شوند که «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»^۲ خدا با صابران است» و «أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ»^۳

۱- آل احمد، جلال، سفر به ولایت عزرائیل، صص ۹۹، ۵۸، ۹۸

۲- بقره/۱۵۳

۳- هود/۸۱

کوتاه اما خواندنی

تازیانه شک

می گفت: آب اگر حرکت نکند، می گنند و نتیجه می گرفت: اگر در مردم یک حالت آرامشی باشد و بر معتقدات دینی و مذهبی، تازیانه شک نخورد، در آن صورت غیر متخصصین مذهبی، پیشتاز آن معتقدات می شوند و دائم از خودشان چیزی می سازند.^۱ عجب؛ پس واکسن اعتقاد به مهدویت، شبهه و سؤالات آن است!

گمشده

چند وقتی می شد، گمشده اش^۲ را پیدا کرده بود. برای همین هم جملات حکیمانه می گفت. عقیده‌ی به امام عصر^ع، عمیق تر می شود اگر به حضرت حق توجه کنی و به درگاهش دعا و اِنابه نمایی و وظایف دینی ات را انجام دهی. سطح فکری نیز، با اوج گرفتن مرغِ فکر، به دو بال مطالعه و گفتگو با علماء، درباره‌ی حضرتش، بالاتر خواهد رفت.

سنت الهی

آیا مردم گمان می کنند همین که بگویند: ایمان آوردیم، به حال خود

رها می‌شوند و آزمایش نخواهند شد؟! این سنت الهی است و در هر اُمتی جاری است.

آزمایش قوم نوح با قوم صالح و ثمود و دیگر اُمت‌ها فرق می‌کرد. ولی این، با وجود شرایط زمانی و اجتماعی متفاوت، طبیعی است. کلامش که به این جا رسید با خود اندیشیدم: درست است که علت غیبت امام زمان علیه السلام به روشنی معلوم نیست؛ اما نکند حکمت آن، امتحان و آزمایش اُمت رسول خدا صلی الله علیه و آله، در این شرایط باشد؟

خورشید پشت ابر

خیلی ناراحت بودم. فکر می‌کردم؛ حالا که امام زمان علیه السلام غایب است، حتماً ما از وجود نازنینشان بی‌بهره ایم! تا این که روایت مشهور از پیامبر صلی الله علیه و آله و خود حضرت مهدی علیه السلام را دیدم که بهره بردن مردم از امام غایب، به بهره بردنشان از خورشید پشت ابر تشبیه شده است. تازه فهمیدم؛ میان ماه من تا ماه گردون، تفاوت از زمین تا آسمان است.

کوتاه اما خواندنی

کوتاه اما خواندنی

دیدار

با اینکه تازه پشت لبش سبز شده بود اما سؤال پخته ای مطرح کرد. از کتاب مفاتیح الجنان، حکایت تشرف حاج علی بغدادی خدمت امام زمان ع در دوران غیبت کبری را آورد و گفت: مگر امام ع در آخرین توقیع و نامه‌ی خود به آخرین نایب خاص خود نفرمودند: کسی که ادعای مشاهده کند، ...، او دروغگو و افترا زننده است؛ پس حاج علی راست نگفته است؟ از دقت او خوشم آمد. بلافاصله سخن شهید صدر را برایش خواندم: مراد، ... (این است) که شخص با ادعای مشاهده و ارتباط بخواهد عقاید و نظر خود را با نام پیام‌های امام زمان ع به مردم القاء کند. فهمش بالا بود چون نتیجه گرفت: دیدار حضرت، امری ممکن است اما شاهد و دلیل می‌خواهد.

منتظر

عالمی سرشناس بود و عاشق شهادت. چون پروانه‌ای گرد شمع شهدا و خانواده‌هایشان می‌گشت. این بار من همراهش بودم. از ماشین پیاده شدم تا به صاحب خانه بگویم، میهمان دارند. بوی

اسپند و خاک آب خورده، کوچه و حیات جارو شده و طنین گرم کلام «چرا دیر کردید؟!» مادر شهید، گوش و چشم و شامه‌ام را نوازش داد. متعجب گفتم: از کجا می‌دانستید حاج آقا به دیدارتان می‌آید؟ گفت: دیشب فرزند شهیدم از من خواست تا منتظرشان باشم.

حرف انتظار که به میان آمد، دلم لرزید. با خودم گفتم: بین این شهید و مادرش، چگونه انتظار را، با عمل خود معنا می‌کنند. تو هم منتظری؟! اشک در چشمانم حلقه زد. منتظر امام زمان عجل الله فرجه بودن و خانه‌ی دل را، حتی یک آب و جاروی ساده نکردن!؟

- ۱- برگرفته شده از کلام شهید مطهری
- ۲- امام علی علیه السلام: حکمت گمشده مؤمن است. (نهج البلاغه، حکمت ۸۰)
- ۳- عنکبوت/ ۲

کوتاه اما خواندنی

در شماره‌ی قبل به شکل‌گیری تفکرات ناسیونالیستی در غرب و خاورمیانه، در زمان معاصر پرداخته و گفتیم انگلیسی‌ها با ترویج فرهنگ ناسیونالیستی و تبعیض نژادی، سعی کردند دین اسلام را که می‌توانست عامل وحدت مردم خاورمیانه در مقابله با استعمارگران باشد، کنار زده و با سکولاریزه کردن اعتقادات دینی، حکومت‌ها و مردم را به سمت تشکیل دولت‌های ملی ببرند که حاصل آن، تفرقه در منطقه بود.

اما شکل‌گیری این تفکرات در ایران چگونه و از چه زمانی آغاز شد؟ شاید بتوان جرقه‌ی این تفکرات را در ایران در اواخر دوره‌ی قاجار با نفوذ انگلیسی‌ها دانست، اما به صورت گسترده، شکل‌گیری حکومت پهلوی در کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ توسط رضاخان و دیگر ایادی انگلیس در ایران، باب جدیدی را



باستانگرایی

برای طرح مباحث شوونسیمی و ناسیونالیستی و تشکیل دولت به ظاهر ملی بر ایرانیان گشود.

انگلیس‌ها با تربیت مُهره‌های مختلفی از جمله اردشیر جی (زرتشتی تبار عضو لژفراماسونی بیداری ایرانیان) محمد علی فروغی (ادیب شناخته شده اما عضو دیگری از لژفراماسونی بیداری ایرانیان)، سیدضیاءالدین طباطبایی (فراماسون)، میرزا علی قلی خان بهایی (بهائی فراماسونر در سفارت ایران در آمریکا)، میرزا حبیب الله عین الملک (بهایی و فراماسون، پدر امیر عباس هویدا و سفیر ایران در لبنان و عربستان و مرتبط با دولت انگلستان) و دیگر جاسوسان انگلیس که هرکدام ماسون‌های تحت تعلیم لژهای فراماسونی^۱ بودند به همراه کمک گرفتن از فرقه دست ساز استعمار یعنی بهائیت، توانستند با کشف رضاخان، حکومت قاجار را به چالش کشیده و حکومتی دلخواه را در ایران رقم بزنند که محور ظاهری آن یک حکومت ملی با قواعد شوونسیمی و ناسیونالیستی بود و تلاش می‌کرد در سه حوزه، ایران را تحت تأثیر قرار دهد.

حوزه اول اسلام ستیزی بود. در این باب رضاخان با تمام قدرت، تلاش نمود نمادهای اسلامی را در ایران تغییر دهد یا از بین ببرد. مثلاً تبدیل شدن تاریخ هجری قمری به هجری شمسی، قدم آهسته این تغییرات بود که در زمان محمدرضا پهلوی، همان هم به ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی تغییر نمود. ممنوعیت عزاداری برای سید و سالار شهیدان در ایام ماه محرم و جمع کردن تکایا و حتی بر هم زدن مجالس خانگی و کشف و تخریب مجالس پنهانی و مبارزه مسقیم بافرهنگ عزاداری برای امام حسین (علیه السلام) که از شعائر مهم تشیع در قرون متمادی بوده است از کارهای خاص رضاخان و حکومت دست نشانده

انگلیس‌ها در ایران بود. هر چند که رضاخان و اساساً حکومت پهلوی تلاش می‌کرد که خود را یک دولت ملی و برخاسته از فرهنگ ایرانی نشان دهد. دومین عملی که به وضوح رضاخان به دستور انگلیسی‌ها در ایران رواج داد، ترویج فرهنگ غربی در ایران بود. او تلاش نمود در کنار اسلام ستیزی و از بین بردن فرهنگ و شعائر اسلامی، فرهنگ غربی را در ایران نهادینه کند. کشف حجاب که البته زمینه‌های آن در زمان قاجار توسط فاطمه بیگم برغانی قزوینی ملقب به قره العین (بابی مسلک)، در اجلاسیه بابی‌ها در سال ۱۲۶۴ در بدشت سمنان، ایجاد شد و بابی‌ها و بعد بهایی‌ها که خود دست‌نشانده‌های استعمار روسیه تزاری و پس از آن انگلیس‌ها بودند، از آن پیروی کردند و آتش زیر خاکستری شدند که رضاخان بتواند با کمک آن‌ها به عنوان تجد گرای و ایجاد پیشرفت به صورت غربی در کشور، نهاد از بین بردن حجاب زنان را رقم بزند و با اجبار و اعمال زور و قدرت، زنان را مجبور کند، حجاب را که ودیعه هزاران ساله تمدن ایرانی و فرهنگ زن مسلمان بود، کنار بگذارند و این‌گونه در کنار اسلام زدایی، نهال نامیمون تمدن معاصر غرب را که بر مبنای اومانسیت است را در ایران پایه ریزی کند.

اما سومین اقدام حکومت پهلوی به عنوان یک حکومت به ظاهر ملی این بود که با تکیه بر باستانگرایی افراطی به ویژه درشت‌نمایی تمدن سلسله هخامنشیان (که به نوعی در تاریخ به عنوان حامیان یهود مطرح بودند آن هم در ایامی که تمام تلاش انگلیسی‌ها برای تشکیل حکومت یهودی در فلسطین بود) الگوی میهن پرستی یا همان شوونیسم را در اذهان مردمان ایران زمین ایجاد کنند.

آن‌ها بی‌توجه به تمدن قریب به ده‌هزارساله ایران و حکومت‌های مختلف در آن که قبل از سلسله هخامنشی، در ایران وجود داشت، مبدأ حاکمیت را در ایران، از زمان حکومت کوروش هخامنشی در نظر گرفتند و همان گونه که اشاره شد مبدأ تاریخ را ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی قرار دادند و با برگزاری جشن ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی با هزینه‌های عجیب و غریب و دعوت سران حدود ۷۰ کشور جهان، تلاش نمودند داعیه دار نظام فکری ناسیونالیسم و شوونیسم در ایران باشند.

ادامه دارد.
محمدعلی غیبی

۱- فراماسونری: بعد از جنگ‌های صلیبی که توسط پاپ اوربن دوم علیه مسلمانان شکل گرفت، شوالیه‌ها حاکمیت در اورشلیم را به دست گرفتند. گروهی از آن‌ها از معبد حضرت سلیمان (علیه السلام) محافظت می‌کردند که در آن زمان با آشنایی با سحر و جادو، طیف خود را از دیگر شوالیه‌ها جدا کردند و پس از شکستی که از صلاح الدین ایوبی متحمل شدند به جای اعتقادات مسیحی با عقاید کفرآمیز به اروپا بازگشتند که از طرف پاپ یا کشته یا متواری گشتند، آن‌ها با پناه بردن به اسکاتلند، در لژ وال بیلدرز فرقه‌ای را به نام Freemason (بنای آزاد) ایجاد کردند تا بتوانند با رخنه در حکومت‌ها و حتی ادیان، قدرت سیاسی و اقتصادی ایجاد کنند و حاکمیت جهان را در اختیار خود قرار دهند.

بازنده

خواستم با فردی نجیب و فقیر ازدواج کنم، گفتند: مردم چه می‌گویند؟ خواستم مهمانی ساده و به دور از تجمل برگزار کنم، گفتند: مردم چه می‌گویند؟ خواستم رشته مورد علاقه‌ام را در دانشگاه بخوانم، گفتند: مردم چه می‌گویند؟ خواستم مجلس غیبت را ترک کنم، گفتند: مردم چه می‌گویند؟ و

راستی حالا که دنیا و آخرتم را به بهای حرف مردم باخته‌ام، این مردم کجا هستند تا مرهم، بر روی زخم‌هایم بگذارند؟ کجا هستند تا جای من، حسابرسی قیامت را پاسخ دهند؟ کجا هستند تا عذری در برابر امام زمانم بتراشند؟ راستی وقتی بمیرم، برای این مردم، چقدر تفاوت خواهد کرد؟

من به کدامین بها، حق را فروختم؟ بهای مردمی، که هر روز مرا به رنگی می‌خواستند؟ اگر امامم بپرسد، چه عذری بیاورم؟ بگویم رضایتتان را به بهای حرف مردم، فروختم؟! راستی کسی که به حرفی، راه حق را رها کرده و رنگ عوض کند، می‌تواند یار خوبی باشد؟

حس شیرین

گفت: تو که این قدر از امامت، دم می‌زنی، آیا او را یک بار هم دیده‌ای؟ گفتم: یک بار نه، بلکه بارها و بارها او را دیده‌ام. من امام را در تمام بلند شدن‌های، بعد از زمین خوردن‌هایم دیده‌ام. در تمام چاره‌های، بعد از بیچارگی‌ام. در تمام درهای امید که پس از ناامیدی محض، به‌رویم باز شد. در تمام توفیقات قلم‌زدن در وصفش، که نصیبم شد. حس شیرین حضورش در دلم، هم چون عطرِ بهارنارنج در دل بهار، غوغا می‌کند.

امام من در سرتاسر زندگی‌ام جاری است و من امام را هر روز در شادی چشمان یتیمی می‌بینم که پدر دارد.

بازگشت

تو گناه می‌کنی و گرم غفلت هستی اما در گوشه‌ای کسی که پدرانۀ دوستت دارد، برای گناهانت اشک می‌ریزد؟ این است رسم وفا؟ او امام است. اصالت زندگی‌ات؛ همان که سال‌هاست، نمک سفره‌اش را می‌خوری

تو را نمی‌دانم، اما من دیگر طاقت اشک‌هایش را ندارم. با وجود گناهانم هنوز امید دارم، وقتی هنوز، انتظارِ بازگشتم را می‌کشد، یعنی اگر بازگردم و مسیر یار شدن را بپیمایم، بی‌گمان لشکرش برای من هم جا دارد.

مسیر تباهی را باید از جایی قطع کرد...
برمی‌گردم به سوی امامی، که سال‌هاست انتظارم را می‌کشد.

نامه

کاش نشانی‌اتان را داشتم. دلم می‌خواست برایتان نامه بنویسم و بگویم چقدر دوستتان دارم. بگویم تا پای جان هستم، مرا بپذیرید. پایین نامه را هم امضا کنم و انگشت بزنم، تا بدانید زیر قولم نمی‌زنم!

چند روز بعد هم پستی‌چای جواب نامه را بیاورد و من ذوق‌مرگ شوم که برایم نوشته‌اید: بیا!

هرچند شما نامه‌ها را نخوانسته می‌خوانید. هرچه بخواهم

بنویسم، شما از قبل می‌دانید. جواب همه را هم می‌دهید. همین که من به شما فکر می‌کنم، یعنی شما خواسته‌اید و گفته‌اید: بیا.

اراده

شما می‌آیید ... وقتی همه قصد دارند عشق شما را پنهان کنند وقتی قصد دارند شما را از همه فکرها پاک کنند... ای کاش فقط پاک کردن از فکرها بود! می‌خواهند همه را از شما دور کنند، می‌خواهند همه از شما دل بکنند، می‌خواهند شما یک غریبه شوید، آن‌ها می‌خواهند شما را... این جا می‌شود که می‌مانی که باید چه کنی... باید بجنگی تا نام شما را در دل‌ها زنده نگه داری... باید بتازی تا عقب نیفتی... حتی خوابی که نکند در زمان خوابیم، آن‌ها بیدار باشند و ... اما... یک جاهایی می‌شود که گنگ می‌شوی یک روزهایی می‌شود که تنها می‌شوی... یک وقت‌هایی می‌شود که دلت از این همه دشمنی می‌گیرد... که چرا...؟؟؟؟ اما باید بدانند که خدا اراده کرده است که شما حاکم جهان شوید... حتی اگر نخوانند.

اثبات حجت

ازدی به طواف کعبه اشتغال داشت و شش دور را انجام داده بود و می‌خواست دور هفتم را انجام دهد، که چشمش در سمت راست کعبه، به گروهی از حاجیان افتاد که گرد جوانی خوشرو و خوشبو حلقه زده اند. او دارای هیبتی خاص بود و برای حاضران سخن می‌گفت.

ازدی می‌گوید: خوش سخن تر از او کسی ندیدم و زیباتر از کلامش، کلامی نشنیدم، پیش رفتم تا با او سخن بگویم اما مردم مرا راندند. از بعضی از آنان پرسیدم: این کیست؟ گفتند: فرزند رسول خداست که در هر سال یک روز ظاهر می‌شود و برای دوستان خاص خود، سخن می‌گوید.

به ایشان عرض کردم: ای سرورم! آمده‌ام تا مرا ارشاد کنید خدا هادی شما باشد. ایشان سنگریزه ای به من داد و من برگشتم. کسی از من پرسید: به تو چه داد؟ گفتم: سنگریزه ای. ولی وقتی که دستم را باز کردم، دیدم طلاست. ناگاه خود را در مقابل ایشان دیدم، فرمود: آیا بر تو حجت ثابت و حق آشکار گردید و کوری زائل شد؟ آیا مرا می‌شناسی؟

گفتم: خیر. فرمود: من مهدی و قائم زمانه هستم، من کسی هستم که زمین را از عدل و داد پر خواهم کرد، وقتی که از ظلم و جور پر شده باشد. زمین هرگز از حجت خالی نمی‌ماند و مردم هرگز بدون پیشوا نباشند. این امانتی است نزد تو که آن را جز به برادران حق جوی خود، مگو!



خبر از آینده

ابراهیم بن محمد نیشابوری می گوید: حاکم ستمگر نیشابور، به نام عمر و بن عوف تصمیم گرفت مرا (به جرم دوستی خاندان رسالت و تشیع) اعدام کند، هراسان شدم، با بستگانم وداع کرده و خود را به سامرا، حضور امام حسن عسکری علیه السلام رساندم تا با ایشان نیز وداع کنم و قصد داشتم پس از آن از آن جا فرار کنم.

وقتی که به نزد آن حضرت، شرفیاب شدم، دیدم در کنار امام حسن عسکری علیه السلام پسری که چهره اش مانند ماه شب چهارده می درخشید، نشسته است. از نور جمالش آن چنان حیران و شیفته شدم که نزدیک بود جریان خودم را فراموش کنم.

آن کودک به من فرمود: ای ابراهیم! نیازی به گریختن نیست، به زودی خداوند شر آن حاکم را از تو، دفع می کند.

حیرت من زیادتر شد، به امام حسن عسکری علیه السلام عرض کردم: فدای شما شوم! این آقا زاده کیست که از باطن من خبر داد؟ فرمود: او فرزند من و جانشین بعد از من است....

ابراهیم گوید: بیرون آمدم در حالی که به لطف خداوند امیدوار بودم و به آن چه از امام دوازدهم شنیده بودم، اعتماد داشتم.

تا این که عمویم مرا به کشته شدن عمرو بن عوف به امر معتمد عباسی و توسط برادر او بشارت داد.^۲

۱- کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ب ۴۳، ح ۱۸، صص ۱۷۸-۱۷۷

۲- اثبات الهداه، ج ۷، فصل ۷، ش ۱۳۶، صص ۳۵۷-۳۵۶

شبکه‌های اجتماعی یا انفرادی

شبکه‌های اجتماعی یا انفرادی را از کسانی که با تمام افراد خانواده خود و بستگان قطع ارتباط کرده‌اند، بهتر می‌توان تشخیص داد. این افراد چه چیزی را از دست داده‌اند و چه چیزی را به دست آورده‌اند. میهمانی‌های زمان گذشته و میهمانی‌های الان را با هم مقایسه کنید. در گذشته همه کنار هم بودند و با هم معاشرت می‌کردند. اما الان چی؟ ماها درگیر فضاهای غلط و اشتباه رسانه‌ای شده ایم.

ما در هر مکانی، از رسانه‌ها استفاده می‌کنیم و مدیریت مصرف، دیگر برای ما مطرح نیست. هر مکانی که کوچکترین فرصت را برای مصرف به دست آوریم، تفاوتی ندارد: میهمانی، مترو، اتوبوس، تاکسی، صف انتظار و ...

در محیط‌های اجتماعی با صدای بلند با تلفن صحبت می‌کنیم و در میهمانی‌ها، مُدام سرمان در گوشی است. اصلاً توجهی به محیط اطرافمان

تلنگر

نداریم، فقط و فقط گوشی موبایل. شبکه‌های اجتماعی ما را از انسان‌های اطرافمان، دور کرده است ما ظاهراً در میان جمع هستیم ولی در واقع تنها هستیم.

اعتیاد رسانه

اعتیاد رسانه ای یکی از آسیب‌های فضای مجازی به شمار می‌رود و تمامی کسانی که از رسانه‌ها استفاده می‌کنند، در معرض آسیب اعتیاد قرار دارند. آیا آن قدر که درگیر رسانه‌ها و دنیای اینترنت هستیم، به زندگی واقعی خود اهمیت می‌دهیم؟

نوجوانی، که همیشه سرگرم بازی و تفریح در فضای مجازی است و به قدری وابستگی روحی به اینترنت و فضای مجازی پیدا کرده که حتی لحظه ای نمی‌تواند از آن دل بکند، با قطع شدن اینترنت و وای فای، دچار چه آسیب‌هایی می‌شود؟

آیا تاکنون به این موضوع فکر کرده اید که مدیریت مصرف رسانه، برای کسانی که مُدام از رسانه‌ها استفاده می‌کنند لازم است یا خیر؟ در بیشتر موارد، کاربران رسانه‌ها فکر می‌کنند که کنترل کامل، بر استفاده از فضای مجازی و رسانه‌ها دارند در حالی که این رسانه‌ها هستند که آن‌ها را مدیریت می‌کنند.

اعتیاد به فضای مجازی، زمانی ایجاد می‌شود که ما کنترل مصرف رسانه را از دست بدهیم، در این صورت دچار اعتیاد رسانه‌ای شده‌ایم.



برگزاری چهارمین گردهمایی سراسری
«یاران موعود» با حضور معاونین فرهنگ،
آموزش، پژوهش و ۳۰۰ فارغ التحصیل
دوره‌های تربیت مربی سراسر کشور



برگزاری جشن عید بیعت
همزمان با نهم ربیع الاول سالروز
آغاز امامت حضرت ولی عصر
در مهدیه بزرگ شیراز



برگزاری جشن عید بیعت همزمان
با نهم ربیع الاول سالروز آغاز امامت
حضرت ولی عصر علیه السلام
در حرم مطهر حضرت شاهچراغ علیه السلام



برگزاری شورای برنامه ریزی
نکوداشت نهم ربیع الاول سالروز
آغاز امامت حضرت ولی عصر (عج) - فسا